

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عنوان :

سختی پیرامون افعال مرکب ، عبارتهای فعلی وانواع متمم

سید عادل احمدی کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

بوکان ، بهمن ماه نود و پنج خورشیدی

روشهای مناسب برای تشخیص فعل مرکب :

۱- در افعال مرکب همیشه فعل اصلی در معنای واقعی و حقیقی خود نمی آید بلکه با جزء غیر صرفی همراه خودش معنی دیگری را می رسانند.

۲- اگر جزء غیر صرفی ، اسم معنی و فعل در غیر معنای اصلی باشند و ساختار نحوی و کاربردی جمله درست باشد ؛ یقیناً فعل مرکب است

برای مثال دقت کنید ؛

« علی به دین اسلام ایمان آورد ، فعل ، آورد ، در معنای واقعی خود نیامده است ، یعنی ، آوردنی ، در کار نیست ، و جزء غیر صرفی آن ، ایمان ، گسترش پذیر و نقش پذیر است (ایمان محکمی ، استواری آورد، ایمان را آورد ، مفعول) ، اما چون ، ایمان ، اسم معنی است ؛ فعل این ، مرکب ، است .

به این جمله ها توجه کنید:

- ۱- او فرمان ماشین را به دست گرفت.(فعل ساده)
- ۲- او فرمان امور را دست گرفت.(فعل مرکب)
- ۳- او از شنیدن حرفهایش آتش گرفت.(فعل مرکب کنایی)
- ۴- لباسهایش ناگهان آتش گرفت.(فعل مرکب)

یادآوری :

البته این قواعد همیشه صادق نیست ، همچنانکه در مثال ۴ ملاحظه می کنید ، لباسهایش اسم معنی نیست و یا در مثال ۲ عبارت فعلی است که حرف اضافه ، در ، حذف شده است .

۳- گاهی افعال مرکب، در جمله پراکنده اند؛ یعنی بین جزء غیر صرفی و فعل فاصله می افتد. در اینگونه موارد باید جمله را طبق دستور زبان فارسی ویرایش کنیم.

- ۱- اولباسهایش را تحویل احمد داد = اولباسهایش را به احمد تحویل داد .(مضاف الیه در جای متمم)
- ۲- برای پیروزی آنها ایجاد محدودیت می کنند = برای پیروزی آنها محدودیت ایجاد میکنند.(مضاف الیه در جای مفعول)

۳- او دست به هر کاری می زند = او به هر کاری دست می زند.(متمم در جزء غیر صرفی فعل)

۴- با حرفهایش او را تبدیل به قهرمان کرد = با حرفهایش او را به قهرمان تبدیل کرد. (متمم در جای جزء غیر صرفی فعل)

۵- رستم در برابر تیرهای اسفندیار تاب چندانی نمی آورد = رستم در برابر تیرهای اسفندیار چندان تاب نمی آورد. (صفت در جای قید)

۶- مجتمع فرهنگی سیمرغ آغاز به کار کرد = مجتمع فرهنگی سیمرغ کارش را آغاز کرد. (متمم در جای مفعول، البته میتوان بدون ویرایش آن را عبارت فعلی نیز محسوب کرد. چون ساختمان فعل همچنان مرکب است.)

۷- آنها مردم را اغفالها کردند = آنها مردم را بسیار اغفال کردند. (علامت جمع در نقش یا جای قید)

یادآوری :

گاهی جزء غیر صرفی ، مرکب کلمه ای مرکب و یا ترکیبی اضافی ، است **مانند** :

- الف - معلم سختگیری خود را به دانش آموزان خاطر نشان کرد. (فعل مرکب)
- ب - آنها ارائه طریق می کنند = آنها طریق را ارائه می کنند (فعل مرکب)
- ج - او را خلع لباس کردند = لباس او را خلع کردند. (فعل مرکب)

فعل ، ، کرد ، ، در جملات زمانی با جزء غیر صرفی خود ، ، فعل مرکب ، ، محسوب می شوند که در جمله ، ، مفعول ، ، وجود داشته باشد. **مانند** :

او کتاب را مطالعه کرد (فعل مرکب) اگر ، ، مفعول در جمله نباشد فعل ، ، کرد ، ، ساده است ؛ او مطالعه کرد (فعل ساده ، چون به معنی انجام دادن است .)

اگر در جمله ، ، متمم ، ، باشد و جزء غیر صرفی گسترش پذیر باشد؛ فعل ، ، کرد ، ، همچنان ، ، ساده ، ، است **مانند** :

مردم از او استقبال کردند = مردم از او استقبال (گرمی) کردند. (فعل ساده)

احمد درباره ی این موضوع مطالعه کرد. (مطالعه ها ، ای ، کرد. فعل ساده است)

احمد این موضوع را مطالعه کرد. (فعل مرکب)

یادآوری :

باید به افعالی که دارای معانی گوناگون در جمله هستند ؛ بیشتر دقت کنیم و آنها را تشخیص دهیم به اسمهای ذات و معنی هم در جمله توجه کنیم

چنانچه در مثالهای زیر :

- ۱- او به هر کاری دست می زند (فعل مرکب ، باتوجه به معنای غیر واقعی فعل و اسم معنی ، بودن ، کار،)
 - ۲- کودک به هر چیزی دست می زند .(فعل ساده ، باتوجه به معنی اصلی فعل و اسم ذات ، هر چیز،)
 - ۳- نباید شکاف پذیری (فاصله افتادن بین جزء غیر صرفی و فعل) را با گسترش پذیری (افزودن ، ها ، تر ، ترین ، ی ، صفات)یکی دانست واین دو را با هم خلط کرد . **مثلا:**
- الف)** طی این مرحله بی همراهی خضر مکن = این مرحله را بی همراهی خضر طی مکن (فعل مرکب)با نمونه زیر یکی دانست .
- ب)** دیروز اتفاق افتاد = دیروز اتفاق جالبی افتاد (فعل ساده) + اتفاق این حادثه ی ناگوار دیروز افتاد = دیروز این حادثه ناگوار اتفاق افتاد (فعل مرکب)
- ۴- افعال لازم یک شخصه ، چنانچه دکتر خانلری میفرمایند همیشه ناگذر و مرکب نیستند (دستور زبان ص ۷۹-۸۰) ویا نظر دبیر مقدم مبنی بر مرکب نبودن این افعال در همه موارد درست نیست . **مثلا:**
- الف)** من سردم شد ، بچه ها سردشان شد .(گذرا به مسند هستند)
- ب)** او غییش زد ، او خوابش برد .(ناگذر و مرکب هستند)
- ج)** او زبانش گرفت ، او پایش گرفت ، او صدایش گرفت (همگی ناگذر وساده هستند زیرا فعل گرفت چند معنایی است .)
- د)** من از او خوشم آمد ، او از حرف من خشکش زد ، علی غییش زد ، رضا ماتش برد ،(فعل مرکب هستند)

نتیجه :

درست است که در فعل مرکب بنا به نوشته ی کتاب ، به هیچ وجه نمی توان در بین ، جزء غیر صرفی و فعل ، عنصری از قبیل (ها ، ای ، تر ، صفات ،..) افزود ، زیرا ساخت آوایی و نحوی و کاربردی و معنایی جمله مانع از این امر می شوند؛ اما چنانچه ملاحظه کردید. همیشه اینچنین نیست .

عبارات فعلی :

عبارتهای فعلی : عبارت فعلی ، یک واحد است ؛ یعنی گروهی ترکیبی که معنای واحدی را می رسانند و اغلب معادل یک فعل ساده یا مرکبند.

عبارتهای فعلی بیش از دو کلمه اند و اغلب از حرف اضافه ، اسم و فعل تشکیل می شوند و فعل اصلی در آنها مانند فعل مرکب در معنای اصلی و حقیقی خود نمی آید. عبارتهای فعل نیز مانند فعل ، همه ویژگیهای فعل را دارد (گذر ، ناگذر ، وجه ، شخص ، شمار) اما اغلب ناگذرنند (در پوست خود نمی گنجد ، از خود گذشتن ، به وقوع پیوستن ، به سرای باقی شتا فتن و...)

انواع عبارت های فعلی :

۱- عبارتهای فعلی کنایی :

عبارتهای هستند که جزء غیر فعل آن معنای مجازی و کنایی دارد مانند :

به میان آوردن یعنی مطرح کردن ، از کوره در رفتن یعنی عصبانی شدن ، از پای در آمدن یعنی ملول و خسته نابود شدن و....

۲- عبارتهای غیر کنایی :

عبارتهایی هستند که جزء غیر فعلی آنها کنایی و مجازی نیست بلکه در معنای واقعی خود می آیند مانند:

به گریه افتاد ، به راه افتاد ، به هوش آمد

جزء فعلی : آنها ساده (آمدن) پیشوندی (درآمدن) و یا مرکب (قرار دادن) است. این جزء فعلی در جمله ای که عبارت فعلی دارد یا به تنهایی معنی نمی دهد یا معنی حقیقی ندارد و یا معنای دیگری را می رساند که معنی جمله را عوض می کند .

مثلا به این جمله ها توجه کنید :

سربازان دشمن را به زانو درآوردند ، می بینیم فعل طبق معمول در معنای واقعی خودش نیامده است . یعنی ، آوردنی در کار نیست ، حال اگر جزء غیر فعلی ، به زانو ، را از آن حذف کنیم ؛ جمله بی معنی میشود

حال به این مثال دقت کنید :

آنها پرچم را به اهتزاز درآوردند . می بینیم اگر ، به اهتزاز ، را حذف کنیم ؛ معنی جمله عوض میشود

آنها پرچم را درآوردند،، دیگر عبارت فعلی نیست و فعل در معنای واقعی خودش آمده است.

۳- عبارتهای فعلی مشا به دووجهی:

برخی از عبارتهای فعلی مانند افعال (گذر، ناگذر) ممکن است در عین یکسان بودن ظاهری آنها در جمله، از - نظر معنایی متفاوت باشند

به این مثالها توجه کنید:

- ۱- علی سرمایه اش را از دست داد و به گل نشست. (معنای کنایی و فعل مرکب محسوب میشود)
- ۲- امروز در ساحل خلیج فارس نهنگی به گل نشست. (که جزء غیر فعلی کنایی نیست و فعل در معنای اصلی است و عبارت فعلی نیست)
- ۳- او قدرت را به دست گرفت. (عبارت فعلی است و فعل مرکب محسوب میشود)
- ۴- او کتاب را به دست گرفت. (جزء غیر فعلی و فعل در معنای واقعی آمده اند و ساده محسوب میشود)

نکته مهم:

اسمهای معنی و ذات در عبارتهای فعلی نقش اساسی را ایفا می کنند. این نقش در مثالهای ۳، ۴ بخوبی معلوم میشود [

ماباید به معانی گوناگون یک فعل در جملات مختلف توجه کنیم مانند،، خورد در معنای،، برخورد،، یا،، گرفت،، در معنای،، برگرفت،، برگزیدو.....

ساختمان عبارتهای فعلی:

الف: عبارتهای فعلی سه جزئی: حرف اضافه + اسم + فعل (س، پ، م)

مانند؛ از حال رفتن، از پای در آمدن، به بهره برداری رساندن

ب: عبارتهای فعلی چهار جزئی به دو شکل آمده اند:

۱- حرف اضافه + گروه اسمی + فعل (س، پ، م)

مانند؛ ازکت و کول افتادن، از سر خود وا کردن، به درجه رفیع شهادت نایل شدن

۲- اسم + حرف اضافه + اسم + فعل، مانند؛ دست از جان شستن، دل به دریا زدن، دست از پا خطا کردن،....

در عبارت فعلی ، حرف اضافه را از نظر صرفی و ساختاری همان ، حرف اضافه ، می دانیم ؛ چون نامی دیگر برای آن نداریم . این حرف اضافه نقش کلمه ی بعد از خود را در قبال فعل پایانی نشان نمی دهد ؛ یعنی کلمه ی پس از حرف اضافه رابطه ی نحوی با فعل پایانی ندارد (حرف اضافه نقش نما) نیست .

به این مثال توجه کنید :

« من حکایت را به خاطر آوردم ،»

در این مثال فعل طبق معمول در معنای واقعی خود نیامده و ، آوردنی در کار نیست که (به خاطر) متمم آن باشد بلکه مجموع ، یادآوری ، را میرساند .

همچنین ، به خاطر ، را نمیتوان حذف کرد ؛ چون به نوعی شبیه به متمم فعلی است .

پس در اینجا با یکنوع متمم دیگر روبرو خواهیم بود که من آنرا ، متمم عبارتی ، می گویم ؛ زیرا هر اسم بعد از حرف اضافه (اگر فعل اسنادی نباشد) متمم خواهد بود .

نکته :

در جمله هایی که فعلش ، به صورت ، عبارت فعلی ، نیست ؛ آن فعل معنای مستقل دارد و می تواند متممهای گوناگون بگیرد؛ یعنی به ناچار اگر فعلی نیاز به متمم داشته باشد ، آن را میگیرد

مانند؛ اندیشیدن به ، جنگیدن با ، و..که همراه با حرف اضافه خود ، گذرا به متمم ، است. و میتواند به هر چیزی اندیشید و یا با هر چیز جنگید.

در نتیجه معلوم میشود که در متمم های فعلی میتوان ، متمم ها ، را عوض کرد اما در عبارتهای فعلی این کار غیر ممکن است.

مثلا نمی توان در عبارت ، به فراموشی ، به جای ، فراموشی ، کلمه ای دیگر گذاشت و همان معنی اول را در جمله برساند .

مثال : علی دشمنیها را به فراموشی سپرد .

آیا میتوان به جای ، فراموشی ، کلمه ای دیگر مانند ، کتاب ، درخت ، محمد و...گذاشت و همان معنی اولیه را از آن فهمید؟؟

حال به این مثال که در کتاب سال دوم به اشتباه آن را فعل مرکب دانسته بود توجه کنید

محسن هنگام بازی زمین خورد .

الف : این جمله ناقص است زیرا نیاز به متمم دارد پس چنین میشود .(محسن هنگام بازی به زمین خورد)

به نکته های مهم در عبارت بالا دقت کند

اگر به صورت ،، به زمین خورد ،، بود ؛ آنگاه ،، به زمین متمم فعلی ،،و، برخورد فعل پیشوندی ،، محسوب می شد اما اگر به گفته کتاب دقت کنیم ؛ وقتی حرف اضافه ، ی ،، به ،، را به آن بیفزاییم ، به عبارت فعلی تبدیل میشود .

زیرا فعل در معنای واقعی خودش معنی نمیشود و ،، خوردنی ،، درکار نیست . پس یقیناً عبارت فعلی ، و از نظر ساختمان فعل مرکب محسوب میشود .

نکته مهم :

گاهی حرف اضافه در عبارت فعلی حذف میشود . مانند: او زمین خورد ،، . ،، زمان سر رسید ،، در این نمونه ها حرف اضافه،، به ،، حذف شده است.

درچنین جمله هایی باز هم فعل مرکب است و نمی توان برای جزء پیش از فعل رابطه ی نحوی قائل شد . زیرا فعل در مثالهای بالا درمعنای واقعی نیامده اند.

اینگونه نمونه ها بسیارند ازجمله : به هوش آمد ، به هدر رفت ، به گریه افتاد ، و...

در چنین مواردی علاوه برآنکه آنها را ،، فعل مرکب ،، میدانیم ؛ میتوان حرف اضافه ی آنها را تکواژ پنهان ،، ومجموع آن را عبارت فعلی غیر کنایی دانست.

البته آشکار کردن برخی ازاین حرف اضافه ها نقش عناصر موجود در جمله را تغییر نمی دهند.

مثلا : راه افتاد ،، که دراصل ،، به راه افتاد ،، یا ،، سررسید ،، که در اصل ،، به سررسید ،، بوده است .

اینگونه تکواژ ها را تکواژ پنهان گفته اند.(دکتر ابولحسن نجفی ،مبانی زبانشناسی و کاربرد آن در زبان فارسی ص

۱۰۴)

در کتابهای فارسی فقط به تکواژ ،، صفر ،، اشاره شده است .

انواع متمم

۱- متمم قیدی ۲- متمم اسمی ۳- متمم فعلی ۴- متمم عبارتی ۵- متمم صفت

با متمم های شماره ۱ تا ۳ در کتاب درسی به طور مختصر آشنا شده ایم اینک به متمم عبارتی و تفاوت آن با متمم فعلی می پردازیم.

همچنان که قبلاً گفتیم این متمم وابسته به فعل است با این تفاوت که فعل در عبارت واقعی خود نمی آید و به جای متمم هم نمیشود کلمه ی دیگر جایگزین کرد .

مثال متمم فعلی :

او با دشمن جنگید. با کمی دقت در می یابیم که فعل در معنای واقعی آمده و همچنین میتوان به جای کلمه متمم ،، دشمن ،، هر کلمه دیگری گذاشت که معنی جمله ناقص نشود.

مثال متمم عبارتی :

او داستان را به ذهن / خاطر / فراموشی سپرد .

با اندکی تأمل متوجه میشویم که اولاً فعل در معنای واقعی خود نیامده است .ثانیاً نمیتوان متممها را عوض کرد زیرا هر کلمه ای که در غیر معنای خودش بیاید یا معنای جمله عوض میشود و یا جمله بی معنی میگردد.

انواع عبارتهای فعلی از نظر زمانی :

در دستور زبانی دکتر محمود ابوالقاسمی آمده است :

عبارتهای قدیمی و منسوخ : به خود در کشیدن ،، از جای برآمدن ،، به هم برآمدن ،، در دل آمدن ،، در سر چیزی شدن و.....

عبارتهای جدید ساخته شده :

به تصویب رساندن ،، به تصویر کشیدن ،، به اهتزاز در آوردن ،، به خود گرفتن ،، به فراموشی سپردن ،، به اجرا گذاشتن ،، به رخ کشیدن ،، به هق هق افتادن ،، به تته پته افتادن ،، به گند کشیدن ،، از رو رفتن ،، (البته این چندتای اخیر عوامانه هستند)

عبارتهای فعلی امروزی (به ستوه آمدن ، به خروش آمدن ، به اجابت رسیدن ، به باز نشستن ، به تماشا ایستادن)

نکته :

آن دسته عبارتهای فعلی بالا که غیر کنایی هستند تنها تفاوتشان با فعل مرکب در ظاهر این است که عبارت فعلی دارای حرف اضافه است. وگرنه فعل در هر دو ، در غیر معنای حقیقی می آید و جزء غیر فعلی هم معنای کنایی و مجازی ندارد .

۵- متمم صفت :

متممهای صفت ، مانند متمم اسم یا با کسره به آن مربوط میشوند مانند :

منتظر خدمت ، گویای اسرار ، خواهان تو ، و غیره ، و یا با حرف اضافه دیگر مانند :

بیخبر از همه عالم ، مساوی با او ، مخالفت با آن ، و...البته متمم صفت وقتی با حرف اضافه ای غیر از کسره بیاید، گاهی میتواند کسره هم داشته باشد.

اسمهایی که متمم صفت میشوند. ممکن است به این صورتهای ظاهر شوند.

۱- مفعولیت:

(اعم از مفعول رائی یا غیر آن) مانند : نگهدارنده من ، یعنی مرا نگهدارنده (مفعول رائی)

فزاینده باد آوردگاه فشاننده خون ز ابر سیاه

دلداده ی تو ، یعنی دلداده به تو ، متوجه موضوع ، یعنی متوجه به موضوع ، خائن به وطن ، (مفعول غیر رائی)

۲- متمم قیدی :

مانند ، بقرار تو ، یعنی بقرار برای تو (برای تو قابل حذف و قیدی است) دلخواه من ، یعنی دلخواه از نظر من (وتمییز است)

ساکنان حرم (مکان)، گرینده به نوروز (زمان)

الا ای ابر گرینده به نوروز بیا گریه ز چشم من بیاموز

یادآوری :

صفت تفضیلی نیز متممی دارد مانند: بیشتر از حد ، بیش از پیش و...

بسیاری از ترکیبهای عربی که در فارسی بعنوان صفت مرکب و گروه وصفی بکار میروند؛ از صفات عربی و متمم و متعلقات آن ساخته شده اند؛ **مانند** : عظیم الشان ، واجدالشرايط ، فارغ التحصيل ، قابل انکار متمم صفت اگر بعد از کسره واقع شود ، همیشه پس از صفت است؛ **مانند** : نویسنده ی کتاب،راننده ی اتومبیل

اما متممی که بعد از حروف اضافه دیگر بیاید ؛ ممکن است هم پیش از صفت و هم پس از آن قرار گیرد ؛ **مانند** : از خود راضی ، و ، راضی از خود ،، بیخبر از همه جا ، و ،، از همه جا بیخبر ،، بنابراین چنین متممهایی از وابسته های گردانند که هم میتواند پیش از هسته و هم بعد از آن بیایند.

اگر پیش از صفت قرار گیرند ممکن است با صفت خود همگی یک ،، **صفت مرکب** ،، بسازند.**مانند** : ،، از خدا بی خبر ، از خود راضی ،،

گاهی چند متمم برای یک صفت می آید ؛ مانند : ،، دورتر از من به شما ،،

دوست نزدیکتر از من به من است وین عجب بین ، که من از وی دورم

یادآوری:

حرف اضافه متمم صفت ، گاهی حذف میشود و صفت و متمم آن ، بدل به یک ،، کلمه ی مرکب ،، میگردد

مانند : صاحبخانه ، قائم مقام ، که در اصل ،، صاحب خانه ،، و ،، قائم مقام بوده است

سخن آخر :

عبارت فعلی اعم از کنایی و غیر کنایی گونه ای مستقل از فعل است. که دست کم از سه جزء ، حرف اضافه ، اسم و فعل تشکیل می شود و مجموع آنها یک معنی واحد دارند و از نظر ساختمان جزو فعل مرکب محسوب میشوند .

باتوجه به متن مقاله ، افعال ،، آمدن ،، آوردن ،، نسبت ،، افتادن ،، انداختن ،، رسیدن ،، زدن ،، کاربرد بیشتری دارد .از میان حروف اضافه هم ،، به ،، و سپس ،، از ،، نسبت به سایر حروف کاربرد زیادی دارد.

اگرچه نام عبارت فعلی در دستوره های جدید مطرح شده است .اما در متون فارسی دری میانه هم سابقه داشته است .

منابع و مأخذ :

- ۱- دستور تاریخی ابوالقاسمی محمود ، انتشارات تهران سال ۸۱
- ۲- دستور زبان فارسی انوری واحمدی گیوی ، انتشارات فاطمی تهران ، ویرایش سوم ، سال ۸۵
- ۳- دستور زبان فارسی دکتر خطیب رهبر ، حروف اضافه انتشارات تهران ، سال ۷۹
- ۴- دستور زبان مفصل امروزی ، دکتر فرشید ورد ، انتشارات سخن تهران ، سال ۸۴
- ۵- تاریخ زبان فارسی دکتر خانلری ، نشر نو تهران ، سال ۶۹
- ۶- مبانی زبانشناسی و کاربرد آن ، دکتر ابوالحسن نجفی ، انتشارات تهران سال ۷۸

مقالات :

- ۱- مقالات فرشید ورد در فعل مرکب و ساختمان آن در مجله آشنا
- ۲- مقاله دکتر محمود مهر آوران سال اول شماره یک پاییز و زمستان ۸۸ صفحات ۱۲۷-۱۴۴ که بی نهایت از آن بهره بردم
- ۳- مجله آموزش زبان و ادب فارسی شماره ۸۳ گسترش پذیری فعل مرکب ، علی کرمی